



روش های نوین ایجاد خلاقیت در دانش آموزان

مهر علی اشتیاقی^۱، مجید پورعلی^۲، بهرام بابائی^۳، بهمن آقازاده^۴

۱- کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

۲- کارشناسی ارشد مشاوره

۳- کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی

۴- کارشناسی ارشد آموزش و بهسازی منابع انسانی

چکیده

خلاقیت برای بروز و ظهورش در فرد نیاز به انگیزه و محرک دارد. هنگامی یک دانش آموز خلاقیت خود را در زمینه ای به کار خواهد گرفت که انگیزه، میل و شور و شوق کافی برای کار در آن زمینه داشته باشد. بنابر این به زور نمی توان دانش آموز را مجبور به ابداع کرد. چه بسا دیده اید که برخی دانش آموزان تکالیف مدرسه را از روی همسالانشان رونویسی می کنند اما به هنگام ساختن کاردستی، از نهایت نیروی ابتکارشان استفاده می کنند و آثار بدیعی خلق می کند. این نشان دهنده این است که هنگامی که دانش آموز آزادی انتخاب دارد و کار مطابق میلش را انجام می دهد، خلاقیت خود را به کار می گیرد؛ اما به هنگام انجام امور اجباری، راحت ترین راه ممکن را برای رسیدن به مورد نظر معلم انتخاب می کند و از به کار گیری قدرت خلاقیت خود سرباز می زند معلمی که می خواهد خلاقیت دانش آموزان را پرورش دهد باید خود خلاق باشد. معلمی که خود خلاق نیست و آفرینشگری را تجربه نکرده، هرگز نخواهد توانست خلاقیت دانش آموزان را پرورش دهد. باید انگیزه و صبر و تحمل زیادی داشته باشد و در زمینه های مختلف دارای اطلاعات کافی و به روزو نیز مهارت های متعدد در زمینه های مختلف باشد تا در مواقع لزوم بتواند دانش آموز را راهنمایی کند.

کلمات کلیدی: معلم، دانش آموز، خلاقیت، انگیزه، پرورش، مدرسه،



مقدمه:

مربیان تأثیر بسیار زیادی نه تنها بر موفقیت تحصیلی کودک که بر روش کودک در قبال مدرسه و به‌طور کلی بر یادگیری دارند. به همین نحو، مربیان توانائی تضعیف حس کنجکاوی طبیعی کودکان را داشته و می‌توانند انگیزه آنان را از میان ببرند، حس احترام به خود را در کودکان سرکوب کنند و مانع از خلاقیت آنان گردند. در بعضی جهات، مربیان خیلی خوب (یا خیلی بد) می‌توانند نفوذی بسیار قوی‌تر از پدر و مادران بر روی کودکان داشته باشند.

چرا مربیان چنین قدرتی دارند؟ زیرا آنان فرصتهائی بیش از پدران و مادران برای برانگیختن و یا تضعیف خلاقیت در اختیار دارند. اغلب کودکان در عرض هفته، زمان بیشتری را با مربیان خود می‌گذرانند تا با پدران و مادران خود. مربیان بنا بر ضرورت شغلی خود مستقیماً می‌توانند کودکان را مورد ارزیابی قرار دهند و از آنجائی که کودکان مشتاقانه به پیشرفت خود علاقه‌مند هستند، مربیان می‌توانند به نوعی صدای الهی تبدیل شوند.

آیا مربیان حقیقتاً می‌توانند خلاقیت را آموزش دهند؟ مربیان مطمئناً قادر به آموزش قلمرو مهارت‌ها یعنی مهارت‌های علمی و فنی در قلمروهای خاص مانند سخنوری، ریاضیات و یا هنر می‌باشند. در حقیقت اغلب مردم این کار را جزئی از شغل مربیان می‌دانند. مربیان تا حدی می‌توانند مهارت‌های خلاقیت مانند روش‌های تفکر درباره مسائل و قوانین علمی برای تدبیر راه‌های جدید نگرش به مسائل را هم آموزش دهند. چنین مهارتهائی را می‌توان مستقیماً آموزش داد اما بهترین روش انتقال، طرق نمونه بودن خود مربی است.

اما در مورد جزء دیگر خلاقیت یعنی انگیزه درونی چطور؟ آموزش مستقیم انگیزه درونی، غیرممکن است و نمی‌توان به کودکان گفت انگیزه درونی داشته باشند. ولی مربیان می‌توانند با بیان آزادانه احساس خود از قبیل کنجکاوی، علاقه، شادی و احساس شخصی مبارزه‌طلبی، نمونه‌ای برای کودکان باشند. مهمترین راه برای ترغیب انگیزه درونی در مدرسه، تشکیل کلاس درسی است که محیطی عاری از فشارهای خارجی که مخرب چنین انگیزه‌ای است داشته باشد.

پس در واقع، مربیان نمی‌توانند بیش از پدران و مادران خلاقیت را به کودکان بیاموزند. اما می‌توانند خلاقیت را رواج داده، پرورش دهند و موجب رشد آن گردند.

دیدگاه مربیان

مهمترین راهی که مربیان از آن طریق قادر هستند خلاقیت را در کودکان ترغیب نمایند حمایت از انگیزه درونی آنان است. همه کودکان، قلمرو مهارت‌ها را در مدرسه فرا می‌گیرند (بعضی بهتر از دیگران). اغلب آنان از طریق تماس با نمونه‌های تفکر



خلاق می‌توانند مهارت‌های خلاقیت را به‌دست آورند. اما تعداد کمی از کودکان مدرسه را در حالی ترک می‌نمایند که انگیزهٔ درونی آنها دست‌نخورده باقی‌مانده است.

انگیزهٔ درونی هنگامی رشد می‌کند که مربیان معتقد به دادن استقلال نسبی به کودکان در کلاس درس باشند. اما این سؤال مطرح است که چه نوع مربیانی بیشتر از دیگران قادر هستند کلاس درسی که در جهت استقلال عمل کند تشکیل دهند؟ پاسخ این است که مربیانی موفق‌تر هستند که کامل نبودن خود را قبول داشته باشند و برای کودکان احترام عمیق قائل باشند. با این روش، حتی مربیان کودکان بسیار خردسال می‌توانند به آنان کمک کنند در یادگیری، همکاری واقعی بنمایند.

فلسفهٔ کلی آموزش

عناصر اصلی فلسفهٔ آموزش، که موجب ترغیب خلاقیت در کودکان می‌گردد، عبارت است از:

- یادگیری، بسیار مهم و تفریحی است.
- کودکان به‌عنوان افراد منحصر به فرد قابل احترام و محبت هستند.
- کودکان باید یادگیرندهٔ فعال باشند. باید آنان را ترغیب کرد که علایق، تجارب، ایده‌ها و وسایل خود را به کلاس درس بیاورند. باید به کودکان اجازه داده شود که دربارهٔ هدف‌های کار روزانهٔ خود با مربیان بحث نمایند و به آنان استقلال کاری داده شود تا تصمیم بگیرند چگونه آن هدف‌ها را به انجام برسانند.
- کودکان باید در کلاس درس خود، احساس آسایش و تشویق کنند. همچنین تنش و فشار نباید وجود داشته باشد.
- کودکان باید دارای حس مالکیت و غرور دربارهٔ کلاس درس خود باشند. آنان باید در سر و سامان دادن کلاس و نگهداری آن دخالت داشته باشند. باید تشویق شوند وسایلی را از منزل به کلاس بیاورند (حتی "آشغال") و از آنها در فعالیت‌های آموزشی استفاده کنند. مربیان باید بگویند "این کلاس درس من نیست. این کلاس درس ماست!"
- مربیان منبع اطلاعات و هدایت هستند نه افراد پلیس یا گروهان‌های مشق نظامی دهنده و یا خدا. کودکان باید برای مربیان احترام قائل شوند اما در حضور آنان نیز، احساس راحتی نمایند.
- مربیان باهوش هستند اما کامل نیستند.
- کودکان باید برای بحث بی‌پرده و دربارهٔ مسائل با مربی یا همکلاسی‌های خود، احساس آزادی نمایند. این کلاس درس برای همه است و برای حفظ آرامش آن شریک هستند.
- تجارب یادگیری باید حتی‌الامکان به تجارب دنیای واقعی کودکان نزدیک باشد. کودکان باید در کلاس قدرت و مسئولیت داشته باشند.



ساختار کلاس درس

بارزترین تفاوت میان سبک‌های کلاس درس طی سی سال گذشته، تفاوت میان کلاس درس "باز" و "سنتی" بوده است. اگرچه کلاس درس باز اشکال مختلفی به خود می‌گیرد؛ اما به‌طور کلی دارای ساختار قابل انعطاف‌تر، محدودیت‌های کمتر بر عملکرد دانش‌آموز و توجه بیشتر به فردیت وی می‌باشد.

استراتژی روزانه تدریس

استراتژی‌های خاصی وجود دارد که موجب بالا بردن خلاقیت در فعالیتهای آموزشی روزانه می‌گردد که شامل: ارزیابی و پاداش است.

ارزیابی

ارزیابی مربی از کار دانش‌آموز بزرگترین کشنده خلاقیت در کلاس درس است.

- مربی باید به‌جای ارزیابی مبهم و غیرملموس، از عکس‌العمل منطقی و سازنده استفاده کند.

- از دانش‌آموزان برای ارزیابی کار خود و درس گرفتن از اشتباهات خودشان استفاده نمائید.

- به‌جای تأکید بر "چگونه انجام دادید؟" بر روی "چه یاد گرفتید؟" تأکید کند.

پاداش

نمره‌ها نه تنها به‌عنوان وسایل ارزیابی در کلاس درس بلکه به‌صورت پاداش (یا تنبیه) عمل می‌کنند. سایر منابع پاداش که به‌طور معمول مورد استفاده قرار می‌گیرد عبارت هستند از نشان‌های چسباندنی، ستاره‌های طلایی، تقدیرنامه‌ها، جوایز و امتیازهای خاص.

کودکان چنین پاداش‌هایی را دوست دارند و بعضی مواقع برای به‌دست آوردن آنها هر کاری را انجام می‌دهند و مشکل همین است. تحقیق نشان داده است که وقتی فکر کودکان بر روی پاداش به‌عنوان دلیلی برای انجام کار متمرکز شود، انگیزه درونی و خلاقیت آنان تضعیف می‌گردد.

بهترین پاداش‌ها برای کارهای خوب در کلاس، کارهای غیرملموس است؛ یک لبخند یا تکان سر به نشانه تأیید، زدن به پشت کودک، گفتن یک کلمه تشویق‌آمیز، فرصت برای نشان دادن و ارائه کار دانش‌آموزان و کارهای اضافی. اگر جو کلاس درس، کودکان را متوجه می‌سازد که همه‌کس (از جمله مربی) معتقد هستند یادگیری امری هیجان‌انگیز و تفریحی است، کارهای اضافی به‌عنوان پاداش محسوب می‌گردد.



کار "غیرملموس" و فوق‌العاده^۱ دیگر آن است که به کودکان اجازه داده شود غرور خود را نسبت به کار خود بیان کنند و آن را با دیگران در میان بگذارند.

وقتی که از پاداش‌های ملموس مانند نشان‌ها و امتیازات خاص استفاده می‌شود باید برای کودکان غیرمنتظره باشد. برای مثال یک هدیه^۲ اضافی به دلیل آنکه کودکان، کار خوب خاصی را در موردی انجام داده‌اند و یا به این دلیل که آنان کار خیلی مشکلی را انجام داده‌اند و یا صرفاً به دلیل آنکه مربی حوصله داشته است در کار خاصی کودکان را دخالت بدهد! ترفند کار در این است که پاداش‌های ملموس به طریقی مورد استفاده قرار گیرد که دانش‌آموزان انتظار آن را نداشته باشند و در نتیجه با صراحت در جهت آن کار نکنند.

در نهایت وقتی پاداش داده می‌شود باید به خاطر خلاقیت و همچنین انجام کار صحیح باشد. به این طریق، کودکان به وضوح، این پیام را دریافت می‌کنند که چون در کلاس درس، خلاقیت مجاز است، تشویق می‌شوند و به آن بهاء داده می‌شود
حق انتخاب

در هر جا که امکان دارد باید به کودکان حق انتخاب داده شود. مثلاً یک درس علوم باید حاوی تعداد مختلفی موضوع برای آزمایش باشد؛ یک فعالیت هنری باید تا حد امکان انواع بسیار متفاوتی از راه‌ها و امکانات را ارائه بدهد؛ برای نویسندگی، کودکان باید موضوعات خود را انتخاب کنند و مسیرهای متفاوتی را برای رسیدن به هدف یادآوری نمایند. اگر برای انجام کاری فقط یک راه مخصوص به کودکان ارائه شود آنان نیز مانند موشی که طبق عادت برای رسیدن به غذا و فرار از خطر فقط راه مستقیم، ساده و غیر خلاق را انتخاب خواهد کرد، کودکان نیز همین راه را انتخاب می‌کنند.

کلید کار، داشتن نوعی فعالیت یادگیری می‌باشد که بی‌ساختار اما در درون یک ساختار باشد. لازم است کودکان به‌ویژه کودکان کوچکتر، احساس هدفمند بودن داشته باشند. آنان به محدودیت‌هایی نیاز دارند و اغلب یک طرح کلی از طرز انجام آن کار مورد نیاز آنها است. هرچه امکان انتخاب آنان در مورد طرز انجام و زمان انجام یک هدف بیشتر باشد، بهتر است.

برانگیختن استعدادهای برانگیخته نشده

توضیح را با یک مثال شروع می‌کنیم: دو کودک که در کلاس، هیچ کاری انجام نمی‌دادند و اغلب اوقات خود را به خیره شدن به بیرون از پنجره، یا رسم تصاویر از بازیکنان فوتبال و یا دادن یادداشت به همکلاسی‌های خود درباره^۳ بازی شب گذشته می‌گذراندند. مربی آنان متوجه شد که این دو، فعالیت‌های معمول کلاس درس را انجام نمی‌دهند. جلسه^۴ مشاوره‌ای با آنان تشکیل داد و معلوم شد آن دو شدیداً به فوتبال علاقه‌مند هستند. طی یک برنامه آنان موظف شدند چند پاراگراف درباره^۵



بازیکنان محبوب خود و یا هیجان‌انگیزترین بازی‌ها بنویسند و برای دوستان خود بخوانند، همچنین می‌بایست آماره‌های دربارهٔ تیم‌ها و بازیکنان تهیه و یک کتاب از نقاشی‌هایی که خود آنها از بازیکنان ترسیم کرده‌اند گردآوری کنند.

هر دوی این پسرها درگیر فعالیت‌های جدید خود شدند. زیرا آن فعالیت‌ها به‌طور مستقیم به شور و هیجانی که دربارهٔ فوتبال داشتند، مربوط می‌شد. در حالی که آنان قبلاً از کلاس درس خسته بودند و یا تکالیف درسی را از سر باز می‌کردند، اکنون نوعی ارتباط میان جهان واقعی با آنچه را که انجام می‌دادند، مشاهده می‌کردند و سطح چالش آنان با توانایی‌های هر یک، متناسب بوده و استعدادهای موجود آنان به تدریج گسترش می‌یافت.

محدودیت‌ها و استانداردها

”مشکل اجتماعی شدن“، یا به عبارتی، پاسخ این سؤال که آیا بدون فشارهای خارجی قوی می‌توان قوانین اساسی رفتاری را به کودکان آموخت بسیار دشوار است.

کودکان باید در انجام وظیفه ”قانون‌گذاری“ در داخل کلاس درس همکاری کنند و همراه با مربی یک رشته قوانین که برای عملکرد معقول کلاس لازم است، مثل یورش فکری (طوفان مغزی) همکاری نمایند. پس از بحث دربارهٔ قوانین (و شاید نتایج نقص آن) می‌توان آنها را مانند یک قرارداد نوشت؛ روی تابلو اعلانات چسباند و امضاء کرد. احتمال زیادی وجود دارد که کودکان؛ قوانینی را که در نوشتن آن دست داشته‌اند اجراء نمایند و کمتر احساس می‌کنند آن قوانین آنان را تحت کنترل برونی قرار داده است.

به‌علاوه اگر قوانین به‌صورت اطلاع و خبر ارائه گردد، احتمالاً کودکان احساس نمی‌کنند که تحت کنترل برونی هستند. باید به کودکان یک محدودیت رفتاری همراه با دلیل خوبی برای آن محدودیت ارائه شود و قبول کرد که ممکن است بدون عبارات کنترل‌کننده مانند ”این کاری است که من می‌خواهم انجام دهی“ مشتاقانه از آن محدودیت‌ها فرمانبرداری ننمایند.

گاهی اجراء استانداردهای آموزشی سبب می‌شود تا مربیان احساس کنند که باید ”موضع سخت‌گیرانه“ اتخاذ نمایند. به‌ویژه با توجه به محبوبیت اخیر ”بازگشت به اصول“ و آزمون‌های شایستگی استاندارد شده، مربیان به‌شدت می‌کوشند تا اطمینان حاصل کنند که دانش‌آموزان ”وضع را به درستی درک می‌کنند“. به‌منظور حفظ خلاقیت در چنین جوی، شناساندن زمینه‌هایی که در آن پاسخ درست یا غلط وجود ندارد، و زمینه‌هایی که در آن ایده‌ها، سبک‌ها و روش‌های مختلف دارای ارزش مساوی هستند، بسیار مهم است.



القاء تدریجی عادات خلاقیت

مربیان حتی بیش از والدین فرصتهائی به دست می آورند که به کودکان در زمینه یادگیری مهارت‌های خلاقیت، به وسیله الگو قرار دادن آن مهارت‌ها، کمک نمایند.

هنگامی که به راه‌های مختلف انجام یک فعالیت توجه می کنید اجازه دهید دانش آموزان صدای بلند فکر کردن شما را بشنوند. بعضی از مهارت‌های جدید خلاقیت از جمله نگاه مجدد به مشکلات را به درستی بیازمائید و دانش آموزان را در طی کردن مسیر فرآیند تفکر هدایت کنید. اگر دانش آموزان پیوسته از شما جملاتی این چنین بشنوند: "بیائید یک راه خلاقانه برای این کار بیابیم"؛ "به چه طریق دیگری می توانیم از این استفاده کنیم؟" و "بیائید تا حد امکان هر تعداد ایده جدید می توانیم تدبیر کنیم"، به این ترتیب، آنان نیز به تدریج و به شکل یک عادت، روش تفکر خلاق تری را در پیش خواهند گرفت.

تجارب ویژه

اگر در کلاس درس چیزهائی غیرمعمول اتفاق بیفتد کودکان متوجه می شوند که خلاقیت دارای ارزش است. چند نمونه از "تجارب ویژه" که به طور مؤثر می تواند مورد استفاده قرار گیرد، عبارتند از: مربی برای یک روز، مسافرت‌ها، بازدیدکنندگان، کارهای ویژه روز قبل از تعطیل هفتگی.

مربی برای یک روز (یا یک ساعت)

این تجربه تا حدی به منزله اجراء نقش معکوس است که در آن یک کودک برای مدتی به عنوان مربی، کلاس را اداره می کند و مربی "یکی از کودکان می شود". مثلاً در کودکان می تواند برنامه روزمره صبح را درباره تقویم اجراء کند، در حالی که مربی به همراه گروه کودکان به سؤالاتی درباره آنکه امروز چه روزی از هفته است و یا چند روز دیگر از ماه جاری باقی مانده است و یا تا آن موقع چند روز از سال تحصیلی را گذرانده اند، پاسخ می دهد. و یا در کلاس بالاتر، یک کودک می تواند جلسه بحث درباره کتابی را که همه کلاس خوانده اند و یا فیلمی را که دیده اند، اداره کند.

مسافرت‌ها

برای بالا بردن خلاقیت کودکان می توان موضوع قدیمی مورد علاقه همگان یعنی مسافرت را با روش‌های مهم به صورت جدید درآورد. تا جایی که عملی باشد دانش آموزان باید در هر مرحله از مراحل برنامه ریزی مسافرت شرکت داده شوند. آنان می توانند در صورت لزوم ایده‌هائی برای تأمین بودجه تدبیر نمایند و در واقع آن ایده‌ها را به اجراء درآورند. می توان از کودکان خواسته شود چیزهائی درباره مسافرت که به آن علاقه خاص دارند بیابند و سپس آن جنبه را به صورت انفرادی یا گروهی مورد تحقیق قرار دهند.



بازدیدکنندگان

پدران و مادران می‌توانند با به خانه آوردن بازدیدکنندگان بزرگسال که جالب و متفاوت باشند، خلاقیت کودکان خود را برانگیزند به همین ترتیب، مربیان می‌توانند در کلاس درس، خلاقیت کودکان را برانگیزند. گاهی مربیان از یافتن بزرگسالان مشتاقی که به اندازه کافی باشند درمی‌مانند، اگر این مربیان، دید خود را وسعت دهند با کمال تعجب متوجه خواهند شد که چه کسانی می‌توانند برای این منظور قابل قبول باشند. برای کودکان، بازدیدکنندگان متفاوتی از جمله فرد مُسنی که پرورش‌دهنده گل و گیاه است و یا خانم خانه‌داری که یک ستون طنز در هفته‌نامه شهر در اختیار دارد، می‌توانند برانگیزنده خلاقیت باشند. هدف آن است که کودکان با راه‌های مختلف زندگی و کار، روش‌های مختلف تفکر و شیوه‌های متفاوت بیان آشنا شوند.

کارهای ویژه روز قبل از تعطیل هفتگی (یا هر یک از روزهای هفته)

مربی مبتکر این ایده و در اصل این کار را به‌عنوان راهی برای "یافتن" زمانی که بتواند به‌طور انفرادی با کودکان در کلاس درس کار کند انتخاب می‌نماید. ضمناً در جریان کار، ساعتی را تعیین می‌کند که در آن تمام دانش‌آموزان، بالا بردن خلاقیت را تجربه کنند.

فعالیت‌های ویژه روز قبل از تعطیل هفتگی، نمایانگر مجموعه‌ای وسیع و پی‌درپی شامل عروسک‌سازی، کاغذسازی، زبان علائم، شیرینی‌سازی، خلق یک نمایش ویدیویی و اختراع بازی با کلمات می‌تواند باشد. برای بسیاری از کودکان، این دوره را رویداد مهم هفته به‌شمار می‌آورند. این فعالیت‌ها موجب گسترش و تقویت قلمرو مهارت‌های آنان شده، و انگیزه درونی آنان را برمی‌انگیزد



منابع

- آقائی فیشانی، تیمور. ۱۳۷۷. خلاقیت و نوآوری در انسان ها و سازمان ها، تهران: انتشارات ترمه.
- آقازاده، محرم. ۱۳۸۲. چگونه خلاقیت را در دانش آموزان پرورش دهیم؟ ماهانه رشد تکنولوژی -۱۲. آموزشی، دوره نوزدهم، شماره ۱۵۲، صص ۱۷
- جاویدی کلاته آبادی، طاهره. ۱۳۷۳. بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با خلاقیت کودکان، پایاننامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- حسینی، افضل السادات (.). ۱۳۸۵. (الگوی رشد خلاقیت و کارآیی آن در ایجاد مهارت تدریس خلاق -۲۰۰۳. در معلمان ابتدایی، فصلنامه نوآوریهای آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۵، صص ۱۷۷
- حسینی، افضل السادات (.). ۱۳۷۶. (تحلیل ماهیت خلاقیت و شیوه های پرورش آن، پایان نامه دکتری تربیت مدرس.
- ساعتچی، محمود. ۱۳۷۶. روانشناس کاربردی برای مدیران، تهران: انتشارات ویرایش،
- عسگری محمد. ۱۳۸۶. تاثیر روش های آموزش خلاقیت بر میزان خلاقیت دانش آموزان دختر پایه ۲۰-۹۸. صص ۸۲، چهارم ابتدایی، پژوهشهای روان شناختی، ۱۰ شماره ۲۰۲۰۲
- جهانیان، رمضان و شایسته، محمد علی (.). ۱۳۹۲. (بررسی رابطه بین سبک های مدیریت تعارض و خلاقیت مدیران در مدارس متوسطه شهر تهران، ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، سال سوم